



## کانون هماهنگی زنان افغانستان بخش دوم گزارش کار میز مدور

میز اول

پرسش دوم

**حمید عبیدی (گرداننده):**

بانو حمیرا ثاقب دیروز در ستاتوس خود این پرسش را مطرح کردند : « آیا جنبش زنان در افغانستان شکل گرفته است؟ »

بانو سهیلا حسرت- نظمی پاسخ خود به پرسش نخست در میز مدو را با طرح ضرورت ایجاد «چتر بزرگ» به پایان رسانیدند.

حال اجازه بدهید با توجه به دو نکته بالا ، پرسش دوم را چنین مطرح کنم :

آیا به نظر شما ایجاد یک شبکه و یا چتر رنگین، باز و دیموکراتیک که بتواند تماس ، تفاهم ، هماهنگی و تشریک مساعی طیف گستردهء نهادها و فعالان هوادار و مدافع حقوق زنان را در راه رسیدن به اهداف مشترک ، تسهیل و تامین کند ضروری، ممکن و مفید است ؟

چشم به راه پاسخ همسخنان گرامی خواهیم بود.

**ناهید علومی**

با سلام خدمت دوستان میز مدور،

به باور من ، ایجاد یک " چتر رنگین و یا گسترده " در این شرایط ضروری و حتمی پنداشته میشود.

زیرا ، زمانیکه یک مرجع برای انعکاس خواسته های بر حق ما وجود نداشته باشد و ما نه توانیم که صدای بر حق خویشرا از یک گلو به جهانیان برسانیم، چگونه میتوانیم که صدای رسا داشته باشیم ، طوریکه شما میدانید ، صدای انفرادی نمی تواند مثر واقع گردد، البته قابل تذکار میدانم ، که ما و شما قوت و جرأت آنرا داشت باشیم که در قدم نخست نظریات سازنده همدیگر خود را تایید و انکشاف دهیم، با این حرکت میتوانیم جلب اعتماد نمایم

پیشنهاد مشخص من به خانم حمیرا ثاقب و خانم سهیلا حسرت اینست : که

آنها پیشنهادات ، راهکار ها و میکانیزم ایجاد این چتر گسترده را پیشکش نمایند، تا بر مبنای آن همه دوستان آنرا انکشاف داده ، تا باشد که به یک نتیجه مثبت و دلخواه برسیم

**مریم درانی**

باعرض سلام به تمامی دوستان میزمدور،

من فکر می کنم وقتی در مورد جنبش زنان صحبت میکنیم ابتدا باید به چند مقطع زمانی این جنبش را تقسیم کنیم و جداگانه آنها را بررسی نماییم اما در زمان حال من تصور نمی کنم به فعالیتهای زنان در چند ولایت محدود بتوان گفت جنبش زنان در افغانستان شکل گرفته بلکه باید همان چند ولایت محدود را یادآور شویم و به يك یا دو خانم بطور نمونه در بعضی از ولایات بخصوص ولایاتی که هنوز چالشهای فرهنگی اجتماعی امنیتی و غیره سد راه فاعلیتهای زنان می باشد یا به يك تعداد زنان که بطور سمبولیک در این مناطق فعالیت میکنند اکتفاکرد. من باور دارم شکل گرفتن این جنبش آغاز شده اما زمان و فعالیت لازم است تا افغانستان شمول شود و به پختگی برسد! و این در سایه همکاری و هم پذیری نهادهای مدنی ممکن می باشد.

**سهیلا حسرت نظمی**

---

ناب - نیروگاه اندیشه یی برابری و مبارزه با تبعیض جنسیتی

<http://www.afghanasamai.com/NAB/index.htm>

با تقدیم سلام دوباره، حضور بانوان عزیز را در میز مدور گرامی میدارم.

با ناهید جان علومی همنظرم که ایجاد "چتر گسترده" ضروری پنداشته میشود. با آنکه مراجع فراوان برای انعکاس خواسته ها وجود دارند اما کار هماهنگ و منسجم ما زنان را به رسیدن به اهداف و خواسته های ما بیشتر کمک میکند. درین باب از گرامیانم داکتر صاحب عالمه جان ، خانم خالده خرسند، خانم رهن ، خانم مریم درانی ، خانم صبرینه حمیدی و خانم فوزیه اورال حبیبی تقاضا دارم تا در زمینه نظریات شان را ابراز دارند من دیدگاهم را در روشنی از دیدگاه های شان بعداً خواهم نوشت.

## ماریا رهن

ممنون از اینکه می خوانید :

جنبش ها در بدنه يك ملت با خود باوري ، آگاهی و شناخت شكل مي گیرند . پیش شرط های این جنبش فکر نمودن به مدنیت متعالی است - یعنی انسانیت را پاس داشتن . در طی چندین دهه بگو مگو پیرامون زنان و زمینه های آن ، که همواره آماج اندیشه های ستیز مندانه بوده است ، این جنبش وجود داشت ، در سر من با برکه های انقلاب برانگیز ، در نزد تو با شعور آزادی گرایی و نزد یکی دیگری با ابهام و تاریکی ، ولی آنچه مهم است ، اینست که نفس جنبش و جوهره اصلی به نوعی رو نمایی میکرده است ، اما پرداخت ما به آن متفاوت بوده است ، بنا من با خانم درانی در اینکه زنان افغانی جنبشی نداشته اند ، مخالفم ؛ زیرا در این صورت ما خون رابعه ، سنت شکنی ملکه ثریا و مبارزات زنانه مانند آناهیتا راتب زاد ، صالحه فاروق اعتمادی ، معصومه عصمتی وردك ، میرمن پروین و دههای دیگر را نادیده می انگاریم ، و خود را از تاریخ خویش جدا میسازیم.

## مریم درانی

خانم ماریا جان رهن عزیز ، فکر می کنم شما دچار سوء تفاهم شدید من نگفتم جنبش وجود نداشته است. حتی من این را ذکر کردم که جنبش زنان را باید در مقطعی زمانی مختلف بررسی کرد؛ ولی در زمان حال شکل گرفتن جنبش دوباره آغاز شده اما به پختگی نرسیده است.

## فوزیه ارال حبیبی

سلام گرم از کابل زیبا !

جنبش های اجتماعی در دوره های مختلف بخاطر بدست آوردن حقوق بمیان میاید .

در افغانستان ، ما شاهد جنبش ها اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی زنان بودیم . فعلا هم سازمان ها ، کمیته ها ، اتحادیه های مشارکت ، انجمن ها... تاسیس گردیده و به دفاع از حقوق زن میپردازند . فراخوانی مشترک برای ایجاد یک «چتر گسترده» دفاع فعالانه از حقوق زنان کشور ستودنی است !

جنبش زنان و مبارزات حق طلبی در کشور ما از چهار دیواری خانه پدری آغاز و تا مکتب و مدرسه ، دانشگاه ، ادارات ، «خانه بخت» و بالاخره کوچه و بازار با هزاران دشواری ها ادامه داشته و دارد .

تاریخ جنبش زنان کشور را که به بررسی بگیریم و وضعیت جنبش زنان و نوع برقراری روابطه بین زنان پردازیم ، درمیابیم که نقش زن در این مبارزه در مراکز ولایات پر رنگ بوده و از سرحدات شهرها کمتر عبور کرده .

با استفاده از تجربیات برای تشکیل این چتر رنگین و گسترده فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی راه طولانی را باید پیمود . برای رسیدن به این خواسته خواستارم همکار و همگام باشیم .

## قمر یلدا کرزی

جنبش زنان افغانستان از سالهای متمادی وجود داشته و به اشکال مختلف تبارز نموده است . با رونق گرفتن مفکوره آزادی فردی و اجتماعی زن ، تقریباً قبل از یکصد سال این جنبش و حرکت گاهی بشکل مسالمت آمیز و آرام دیموکراتانه باری بگونه چپ انقلابی ، زمانی خاموش و سرد با هرأس و رعب

بشکل مبارزه زیرزمینی مخفی برای ابتدایی ترین حقوق انسانی و حالا هم به شیوه گسترده بر مبنای قوانین مدنی ادامه دارد .

درین راه پر خم و پیچ و توأم با خطر رنجهای ، درد ها ، توانایی ها ، ضعف ها و خطا ها و کارهای صواب ، دست آوردها ، شکست ها به اندازه متفاوت بمیان آمده است .

در نتیجه جنگها ، شرارت ها و ناامنیتی ها متداوم موقف و جایگاه زن در جامعه سیرقهقرایی را پیموده است .

در عین حال در گیر و دار حوادث ، مهاجرت ها و برخورد با پدیده های نو انکشاف و شگوفایی تکنولوژی دیجیتال و غیره باعث تغییر مثبت و دگرگونی کلی در شیوه تفکر و عمل مدافعین زن در افغانستان گردیده است

امکانات سایت های انترنتی ، ایمیل و شبکه های اجتماعی مثل فیسبوک ، سکایب و تیلیفون ، زنها را باهم نزدیک ساخته و امکانات تبادل نظر و مفاهمه را بوجود آورده است .

در این چنین شرایط تشریک مساعی ، بالا بردن سطح دانش و آگاهی زنان اهمیت بنیادی را پیدا نموده است .

به یقین برای رسانیدن زنان به یک زندگی خوب بدون شکنجه و استبداد و مهابت در اجتماع راه و روش و طرق های متنوع وجود دارد که از آن جمله همنوا شدن و اتحاد زنان بصورت دسته جمعی است. درینصورت این قشر متحد میتواند از تخریب و تهدید مخالفین جلوگیری نمایند و نیروهای طرفدار حقوق زن با ایجاد یک چتر بزرگ حمایت و حفاظت از حقوق زنان مجزا از هر اندیشه و طرز تفکر دنیای سیاسی شان ، فقط بخاطر حقوق شان بصورت دسته جمعی با یک قوت نستوه و خستگی ناپذیر برای بدست آوردن اهداف پاک و منزه شان که ضرورت مبرم است توفیق حاصل کنند.

**ناهید علومی**

---

ناب - نیروگاه اندیشه یی برابری و مبارزه با تبعیض جنسیتی

<http://www.afghanasamai.com/NAB/index.htm>

مروری کوتاه بر تاریخچه جنبش زنان در افغانستان:

جنبش زنان به شیوه مدرن آن با نهضت امانی، با نقش ارزنده شاه امان الله، محمود طرزی، ملکه ثریا و رسمیه مادرش آغاز یافت. در دور امانی بود که برای بار اول توجه به حق زن شد. زن وارد مکتب گردید، دارای نشریه پی شد و ثریا طرزی، و دو خواهرش، پرچم نبرد برای حقوق زن را بر افراشتند. اما، جامعه محافظه کار، همراه با شتابزده گی که در این راه صورت گرفت، این جنبش را متوقف ساخت.

سپس این داوود خان بود که زمینه از میان بردن چادری را برای زنان فراهم نمود و آرام زن وارد عرصه جدیدی شد.

اما به باور آگاهان:

دهه دموکراسی را می توان دوران شگوفایی جنبش زن نشانی نمود. در این دهه، ساختار های گوناگون جنبش زنان شکل گرفتند. در این امر نقش سازمان دموکراتیک زنان را در بیدار سازی ذهن ها نمی توان نادیده گرفت.

از آن پس با به قدرت رسیدن مجاهدین و سپس طالبان، دیگر زن به پسخانه جامعه رانده شد.

پس از سقوط طالبان به وسیله نیرو های جهانی و باز شدن فضای سیاسی، حضور پُررنگ زنان را می توان در همه عرصه های اجتماعی - با وجود برخی سد راه ها و مانع های که بیش تر سنتی و دینی اند - مشاهده کرد. حضور پُررنگ زنان در هر انتخابات، به ویژه انتخابات اخیر، نمایانگر این راستی و حقیقت است که زن، اکنون با تمام قد وارد عرصه اجتماعی شده است.

آگاهان معتقد اند: راه رهایی برای زن، نخست از همه در خط نبرد خودش می گذرد.

برای نهادینه شدن این حق، باید تمام تلاش را به خرچ داد تا نظام سیاسی مردمسالاری که اکنون تاحدودی شکل گرفته است، با قوام تفکر و فرهنگ مردمسالاری و استقرار حاکمیت قانون، استحکام و قوام یابد.

تحقق عدالت مطلق برای انسان ( زن و مرد ) ، دشوار است اما عدالت نسبی در نتیجه جنبش زنان اگر تحقق یابد کمال مطلوب خواهد بود.

این مرور را بخاطر وارد شدن به قضیه جنبش زنان نگاشتم.

## ماریا رهین

نکاهی بر نهضت زنان دوره امانی

نهضت های پیش آمده زنان در افغانستان ، گاه انچنان از درونگرد زمبینه ها برون مانده است ، که با دریغ سهم اش در این تبانی های زمان یا اندک و یا هم ، نا خود آگاه با راهکار سلیقه های زمانی ، پیشکش شده است .

امان الله خان با انگیزه انباشتی از رونمای های مدر نیته غرب بلافاصله ، ارزش ها را به درو گرفت ، و انگار می پنداشت با کوبیدن مهر بر این رو ساخت ها می تواند ، فقر اقتصاد و فقر فرهنگ و فقر بی معرفتی را با معجزه از میان بر دارد .

نگاه وی بر کشیدن بار معنایی زنان نیز در همان دوره و با همان حیطه باوری همین بود .

در جامعه که جمعیت های شهر نشین و رؤستایی اش زن را با ( هیچ ) برابر می دانست ، تحقیر جبران نا پذیر را نسبت به خود تشخیص می داد ، و می دید : خانی ، و خانه و خوان اش در خطر است ، پس به خود حق می داد تا برغم همه این بحث ها قیام کند ، انهم در زمانی که همه چشم ها و شعور ها ، بر ریختن ترفند بزرگ برای افغانستان می اندیشید ند ، برای کسانی که خود را با يك حرکت عشیره اغفال نموده بودند .

جنبش امانی که در اصالت های وجودی اش میتوان انگیزه های آرمانی رشادت را دید ، برای کشیدن برنامه به زنان نیز خیلی عاطفی و آرمانی نقش آفرینی کرد .



این نقش در بی‌جهتی مدیریت نشده یک دید نا‌شناسا ماند و بعلاوه چون تیغ برآنی برای فصل زن با آینده او در افغانستان شد .

چه ناشناسایی مردم از گسترش آرمانی زمینیه ها ، قضاوت های پیش‌فرضانه را تشدید کرد ، و برای دشمنان ما فرصت کافی داد تا توطئه بچینند ، و مردم را تحریک کنند .

یک مثال واضح : حکومت انگلیس عکس‌ملکه ثریا را با سیم فوتو شاپ تزئین کرد و با اندام نیمه برهنه رزیلانه در حوزه های دینی تکثیر کرد ، ملا را که همه اعتقاد مردم را در کف دست خود داشت، برای اینکار مأمور ساخت ، حتی ملای لنگ را که انگلیس بود با عباً و قبای مسلمانان به متن جامعه فرستاد .

و یک فکر انسانی و مردم خواهانه مرد منحصر بفرد و آزادی خواه افغانستان به این سادگی تاراج شد، و مورد شماتت زمان غدار قرار گرفت .

آمان‌الله خان ، با طرح این رویکرد ، هر جند نتوانست زمینیه جدید بنیان گزارد ، اما مردانه قربانی داده و رسالت خود را متعهدانه در برابر ما انجام داد.

### خانم یلدا قمر کرزی

آمان‌الله خان بعد از تصفیة حساب با دولت انگلیس مشغول اصلاحات داخلی گردید. مردم افغانستان که خواهان نهضت و ترقی بودند جداً به همکاری و پشتیبانی دولت برخاسته از تمام ریفورمهای جدید عملاً استقبال کردند و به خصوص به معارف بذل مساعی نمودند .

زنان کشور در مدارس داخلی ، نشرجریده (ارشاد النسوان ) تأسیس انجمن (حمایت نسوان) و غیره داخل فعالیت شدند ، رویهمرفته مردم در تمام این ریفورمهای نا آشنا بدون اندک تعصب و کهنه پرستی از دولت جوان حمایت و پشتیبانی نمودند ، این است که شاه توانست ریفورمهای خود را در مرحله اول از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ مؤفّقانه و دلیرانه علی‌الرغم «دسایس خارج» و ضدیت قوت های ارتجایی تطبیق کند.

اما مرحله دوم ریفورم که از ۱۹۲۷ تشدید شده ، با منافع عمده ای که داشت درجین خود معدوم گردید ، زیرا هیچ فردی یا حکومتی نمیتواند خدمت متری بکشوری نماید مگر آنکه از حمایت و پشتیبانی توده های وسیع مردم برخوردار باشد در غیر این حمایت و پشتیبانی ، ناکامی هر طرح جدید و فعالیت هر فرد مقتدر ولو نابغه باشد امر حتمی است .

مردم افغانستان مثل هر جامعه ی بشری طبیعتاً خواهان پیشرفت زندگی است . تاریخ افغانستان نشان نمیدهد که مردم افغانستان بر ضد تمدن و فرهنگ در هیچ دوره یی قیام کرده باشد ، البته قیام مردم کشور همیشه بر ضد ظلم و خیانت بوده است .

همین مردم در عهد امانی با فقری که داشتند سرک ساختند ، مکتب آباد کردند ، برای معارف اعانه دادند . در کابل روزی که ملکه ثریا در یک اجتماع از پیشرفت زنان جهان و عقب ماندگی افغانستان سخن زد ، (جی ۱۲۹۹ شمسی) زنان به درد گریستند و پنجاه نفر خود شان را در خدمت معارف و تأسیس

اولین مدرسه زنانه گذاشتند . پس علت اغتشاش افغانستان دستهای خارجی ، ملاحای انگلیس پرست ، بی کفایتی مامورین دولت بود که هر امر حیاتی و مقدسی را با رشوت خواری و خیانت ملوث میکردند و هر ریفورمی را به شکل منفور و عذاب در نزد ملت تمثیل مینمودند .

شاه امان الله خان برای سعادت ، عصری ساختن و ترقی ملت اش سخت علاقمند داشت اما متأسفانه سؤاستفاده گران و چاکران بیگانه مملکت را به صد سال به قهقرا کشاند و تا هنوز زخمها مداوا

نشده هرگاه زوزنه ی امید پیدا میشود با خصوصیت ها و روش های ددمنشی خنثی میشود امید نسل سازنده ، نوین و جوان افغانستان با درک حساسیت ها پی برده و در روشنگری و ترقی زنان و اطفال وطن کوشا باشند.

**دکتور عالمه**

در نخست می خواهم موافقت خویش را با نظریات دوستان ابراز کنم. هر یک شان به نوبه خویش بخشی از ضرورت شکل گیری جنبش یا چترگسترده را بیان کرده اند.

ناب - نیروگاه اندیشه یی برابری و مبارزه با تبعیض جنسیتی

<http://www.afghanasamai.com/NAB/index.htm>

می خواهم بگویم اینکه ضرورت جنبش زنان در افغانستان یا به گفته دوستان „چترگسترده“ ضرور و مهم است. جای این جنبش در شرایط فعلی واقعا خالی است.

اگر دوستان روی عوامل عدم شکل گیری آن اندکی مکث نمایند و واکاوی کنند بهتر خواهد بود.

به نظر من یکی از عوامل عدم شکل گیری این جنبش در یک ونیم دهه اخیر با وجود امکانات ، سرازیر شدن پول های هنگفت در کشور برای انجو ها و عدم بکار برد آن در ساختار های اساسی و زیربنایی برای دسترسی زنان به امکانات و فرصت ها می باشد.

دوستان عزیز در این جا لینک یکی از مصاحبه های خود را که در سال ۲۰۰۹ انجام داده بودم می گذارم. مصاحبه مستقیم توسط ثبت نوار صورت گرفته و از کمی و کاستی های آن معذورم دارید.

<http://www.afghanasamai.com/NAB/index.htm> ناب - نیروگاه اندیشه یی برابری و مبارزه

با تبعیض جنسیتی

**خالده خرسند**

سلام و سلامتی باد بر شما !

دغدغه داشتن یک جنبش زنان ،همواره با زنان فعال و انسان های که به حقوق زنان اعتقاد و باور دارند وجود داشته است .

اگر از حاشیه های این بحث بگذریم و اینکه یک تعداد مسایل توسط دوستان نیز اشاره شده ،می خواهم بگویم که باید برای تشکیل یک جنبش زنان در قدم نخست واقع بین باشیم .به این معنا که هر جنبش آزادی خواهانه بازتاب شرایط سیاسی و اجتماعی خاص خودش است .برای آغاز یک جریان و تشکل سیاسی،اجتماعی و جنسیتی باید نگاه دقیق به شرایط و مناسبات سیاسی و اجتماعی داشته باشیم.

جنبش زنان برآمده از از تجربه مشترک زنان در گروه های ارتقای آگاهی است که باید بعد از بررسی نظری و تخصصی مناسبات اجتماعی مردسالارانه ،سنتی و مذهبی اعلام حضور نماید. نباید فراموش نمایم که هر زن به صرف زن بودن خود نمی تواند به عنوان یک زن آگاه و فعال نسخه آزادی و برابری

---

ناب - نیروگاه اندیشه یی برابری و مبارزه با تبعیض جنسیتی

<http://www.afghanasamai.com/NAB/index.htm>

را بیچد! این اواخر دیده می شود که زنان که حتا الفبای فمینیسم و یا سواد و تجربه لازم برای نظریه پردازی در مورد حقوق زنان ندارند، صرفن به خاطر گرفتن پروژه های اقتصادی خودشان را به عنوان مدافع حقوق زنان جا زده اند که این تعداد ظربه سهمگین را در عدم شکل گیری یک تشکل صادقانه، آگاهانه و مصمم در راستای حقوق زنان، وارد کرده اند. جنبش های پیشرو زنان در جهان تاثیر گذاری بر آگاهی را از نیروهای اصلی سرکوب نیروهای زن ستیز می دانند یعنی فقط زنی که آگاه است می تواند برفهم جامعه تاثیر گذار باشد. دوباره تاکید می کنم که ما زنان در قدم نخست باید نیروهای اصلی تغییر و ظرفیت های دانا و توانای زنان را شناسایی و برای تشکیل یک چتر رنگین برگزینیم. حرکت های زنان در افغانستان باید توانایی و سواد لازم را در ترسیم خواسته و اهداف خویش داشته باشد.

بدون شک داشتن یک جنبش زنان اهداف مشخص را باید دنبال کند و این واقعیت را درک کند که زنان به لحاظ حقوقی، اقتصادی و فرهنگی تحت ستم اند و تغییرات در قانون، خط مش و نگرش های اجتماعی برای ایجاد توازن در وضعیت نابرابر زنان ضروری است.

هر جنبش زنانه اهداف اساسی را دنبال می کند. برابری، آزادی، مشارکت سیاسی، فرصت های برابر شغلی، زمینه های مساویانه ای آموزشی، استقلال مالی و اجتماعی و... ده های خواسته و نیاز که یک زنده گی آرام و فارغ از خشونت و بی عدالتی را برای زنان رقم می زند.

در طی یک دهه گذشته تغییرات مثبتی در زنده گی زنان به وجود آمده که من این جا نمی نویسم چون تکرار مکررات است. اما برای داشتن یک جنبش باید این تغییرات سرتاسری باشد. زنان باید در تمام نقاط کشور نیاز به داشتن یک جنبش زنان را احساس و تایید نمایند که متأسفانه چنین نیست و حرکت های خورد و بزرگ زنان در سطح چند کلان شهر افغانستان هم با آسیب های چون پروژه زده گی، سواد ناقص در فهم و ایجاد یک جنبش زنان و عدم صداقت روبرو بوده است. برای داشتن یک جنبش زنان چند پیشنهاد مشخص دارم:

1- چهره های با سواد و زنان صادق برای هسته مرکزی انتخاب و شناسایی شود.

2- زنان مدیر در راس جنبش به بسیج جریان های خورد و بزرگ که به صورت جداگانه کار می کنند، بپردازند.

3- خواسته ها و اهداف زنان به صورت واقع بینانه لیست شود .

4- تاریخ حضور زنان در تاریخ معاصر کشور باز خوانی و جمع آوری گردد؛ چرا که روایت گذشته ما را کمک می کند تا اشتباهات گذشته را انجام ندهیم و از دستاورد هایشان استفاده نمایم .

این ها در قدم نخست می تواند گام های اولیه برای هسته گذاری یک جنبش کوچک ولی دقیق و کارا باشد تا بتواند چهره های موثر را کنار هم نگه دارد . تصور من این است که بحث ما در این میز مدور یک نتیجه اگر داشته باشد این است که هسته یک جنبش زنان گذاشته شود .

به امید این نتیجه خوب !

### حمیرا ثاقب

تا زمانی که زنان اهداف مشترک خویش را نیابند و تعریف نکنند، فعالیت ها منسجم نخواهند شد. مثال میزنم تعدادی از زنان فعال طرفدار رفتن تعدادی از ماده های قانون منع خشونت به کود جزا هستند. که خطر آن:

تجزیه قانون منع خشونت

گذر زمان اینکه جقدر زمان طول خواهد کشید تا این ماده ها داخل کود جزا شوند؟

تعدیل آوردن در تعدادی ماده هایی که داخل کود جزا میروند.

عملا غیر استفاده شدن ماده های وقایوی در این قانون.

اما تعدادی که دفاع میکنند دلایل خویش را دارند: این که بیشتر جنبه تطبیقی پیدا میکند و قانون نیاز به تصویب شدن ندارد.

ضرورت داریم که با هم بحث کنیم و به نتیجه درست برسیم. یعنی که اهداف مشترک را بیابیم و نگذاریم که با این اهداف بازی بکنند و ما غیر مستقیم مهره بازی دیگران نشویم.

## سهیلا حسرت نظیمی

در همنوایی با بانو ثاقب و بانو خرسند اضافه می‌دارم اگر هر کار و کوشش و مبارزه جمعی برای تحقق اهداف مشترک و تامین منافع مشترک را جنبش اجتماعی تعریف کنیم و قبول کنیم که صرف نظر از شمار اعضا و میزان تاثیر گذاری چنین حرکت های جمعی را میتوان جنبش نامید، در آن صورت میشود گفت جنبش زنان در طول سده گذشته همیشه چه در شکل علنی، نیمه علنی و یا مخفی آن وجود داشته است.

و اما اگر جنبش زنان را کار و کوشش و مبارزه جمعی زنان برای تحقق تحول اجتماعی تامین کننده حقوق زنان تعریف کنیم، در این صورت باید گفت که در حال حاضر اگر تمام ظرفیت های بالفعل به صورت منسجم به کار انداخته شوند و نیز ظرفیت های بالقوه به ظرفیت های بالفعل مبدل گردند، در آن صورت جنبش زنان به یک نیروی موثر تحول اجتماعی مبدل خواهد شد.

در حال حاضر اگر توجه کنیم زنان از طریق صدها نهاد فورمال و غیر فورمال و نیز اشکال دیگر فعالیت های جمعی برای تامین حقوق خود کوشش میکنند. و اما این کوشش ها در یک مجمع الجزایر پراکنده در جریان است. اگر همه این نهادها و یا کم از کم بخش بزرگتری از آن ها با به رسمیت شناختن و حفظ تنوع و استقلال خود بتوانند در جهت تامین اهداف مشترک به تفاهم، همبسته گی و همکاری دست بیابند، در آن صورت جنبش زنان به چنان نیرویی مبدل خواهد شد که در سمت دهی و تسریع تحولات اجتماعی نقش موثری ایفا کند.

تجربه ما در کانون هماهنگی زنان نشان میدهد که دستیابی به چنین تفاهم، همبسته گی و همکاری پایدار ممکن است. فراخوان مشترک برای تصویب قانون منع خشونت علیه زنان که توسط بیش از پنجاه نهاد و نیز ۱۳۰۰ از فعالان و مدافعان حقوق زنان نمونه روشن کارا بودن چنین تجربه یی را اثبات میکند. با توجه به همین تجربه است که من به نماینده گی از کانون هماهنگی زنان افغانستان مفکوره ایجاد چتر

رنگین ، باز و دیموکرات را مطرح کردم - چتری که همه نهادها و شخصیت هایی را که خواهان چنین تفاهم ، همبسته گی و همکاری اند احتوا بکند .

اگر دوستان با این مفکوره در اصول موافق باشند، در آن صورت میتوان در مورد تدابیر ، گام ها و اقداماتی که بتواند به تحقق این مفکوره بینجامد بحث کرد.

\*

## میز دوم

پرسش دوم

حمید عبیدی (گرداننده)

قبل از طرح پرسش دوم اجازه دهید برخی آمار و ارقام را به توجه برسانم:

شمار بانوان درس خوانده و تحصیل کرده و شمار بانوانی که امروز در مکاتب و موسسات تحصیلات عالی و مسلکی مصروف آموزش و تحصیل اند ، به مراتب نسبت به هر گذشته یی بیشتر است. بر طبق آمار ارایه شده از سوی وزارت معارف از یازده میلیون و 500 هزار شاگرد 42 درصد یعنی بیش از ۴،۵ میلیون تن آن را دختران تشکیل میدهند.

در کشور اکنون ۱۳۵ نهاد تحصیلی دولتی و خصوصی وجود دارد. بر طبق آمار ارایه شده از سوی وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۳ جمعاً ۵۳۲۸۱ تن از بانوان در نهاد تحصیلی دولتی و خصوصی مصروف تحصیل بودند. در همین سال ۴۹۳۹ تن از بانوان از این نهادها فارغ التحصیل شدند. در همین سال ۱۲۰۰ استاد زن در نهادهای مذکور مصروف تدریس بودند. البته در تناسب به درصد شاگردان مکاتب (۴۲ درصد) هنوز بانوانی که به تحصیلات عالی میپردازند (۲۵ درصد) به حد قابل ملاحظه یی کمتر است.

امروز چند صد نهاد زنان در داخل کشور رسماً ثبت اند .

---

ناب - نیروگاه اندیشه یی برابری و مبارزه با تبعیض جنسیتی

<http://www.afghanasamai.com/NAB/index.htm>

شمار کثیری از نهادهای زنان افغانستان در خارج از کشور نیز وجود دارند .

در انتخابات سال ۱۹۹۳ زنان نزدیک به چهل درصد رای دهنده گان را تشکیل میدادند.

ارقام بالا ( حتا اگر در ارقام بالفرض تا حدی هم از سوی مراجع رسمی بزرگ نمایی شده باشد) نشان دهنده یک ظرفیت بالقوه بزرگ است.

و اما کوشش های نهادهای فورمال و غیر فورمال و فعالان و مدافعان حقوق زنان به گفته یی در یک «مجمع الجزایر پراکنده» در جریان است.

\*

## پرسش دوم:

با توجه به مراتب بالا برای استفاده مؤثر از امکانات بالفعل و به فعل آوردن امکانات بالقوه ، آیا به نظر شما ایجاد یک شبکه و یا چتر رنگین، باز و دیموکراتیک که بتواند تماس ، تفاهم ، هماهنگی و تشریک مساعی طیف گستردهء نهادها و فعالان و مدافعان حقوق زنان را در راه رسیدن به اهداف مشترک ، تسهیل و تامین کند ممکن، مفید و ضروری است ؟

## یلدا قمر کرزی

بلی ، برای نیل و رسیدن بآزادی ، ترقی و پیشرفت باید دختران شامل مکاتب ، و تمام مؤسسات که زنها شمولیت آنها دارند در زیر یک چتر متحدانه کار کنند آنگاه زود تر به هدف میرسند.

با نظر شما موافق استم.

## حمیرا حقل

ناب - نیروگاه اندیشه یی برابری و مبارزه با تبعیض جنسیتی

<http://www.afghanasamai.com/NAB/index.htm>



سلام و احترامات مخلصانه خدمت گرداننده عزیز و خواهران گرامی.

إحصائية او أرقام بالا نشاندهنده کمیت مسله در سال های اخیر با تمام کمک های بین المللی ایکه برای احیا و باز سازی مجدد افغانستان از لحاظ کمی و کیفی سرازیر گردید میباشد بدون کیفیت . اما با آنهم اگر به دید خوشبینانه به ارقام بنگریم بر مبنای واقعیت های عینی و تلخ جامعه ما با در نظر داشت فساد گسترده حاکم متاسفانه موانع و چالش های چشمگیری هنوز هم فرا راه زنان در کشور وجود دارند که نمیتوان بدون تأمل و تعمق از کنار آن به چنین آسانی گذشت. در رابطه به ایجاد شبکه یا نهاد و ساختار همچون آن پیشنهاد بنده این خواهد بود که بیابید چتر و شبکه های موجود را وسیعتر و گسترده تر و پاسخدهنده تر و دموکراتیک تر و باز تر بسازیم تا اینکه مثل آنها را سر از نو ایجاد نمائیم.

### زرغونه ژواک عطا

سلام و عرض ادب به گرداننده و سایر دوستان اشتراک کننده درین بحث ، از آن جایکه تجارب نشان داده که یگانه راه به ثمر رساندن در تغییرات همانا اتحاد و همبستگی هر حرکت اجتماعی بوده ، بدین منظور یگانه راه دریافت برای رسیدن به اهداف مشترک مان حرکت منسجم در زیر یک چتر خواهد بود.

و چه زیبا خواهد بود که اینبار زنان هر نوع طلسم را بشکنانند و برای یک جمع واحد و اهداف مشترک بدون هر نوع اختلافات کنار آمده و به دور هم دیگر با دید بلند و عاری از هر نوع تبعیض کنار آیند.

### شیما غفوری

همسخنان عزیز، سلام .

از حضور تان در این میز مدور خوشحالم .

با مطالعه نظر خانم حمیرا جان حقل در ارتباط با ایجاد یک چتر فراگیر زنان می خواهم بدانم که علاوه بر تجمع بعضی از نهاد های مدنی در یک مجمع بزرگتر آیا چتر فراگیر و ساختار های پیوند دهنده بین نهاد های مدافع حقوق زنان در کشور وجود دارد؟ و این ارتباطات تا کدام اندازه کارا میباشد. میخواهم از همسخنان داخل کشور در این رابطه طالب معلومات دقیقتر گردم. از لطف تان قبلاً اظهار امتنان مینمایم. البته در خارج از کشور نیز ایجاد چنین چتر فراگیر یک ضرورت شدید است.

### حمیرا حقل

پرسش های بجا را مطرح کردید اید خانم شیما جان غفوری پس بیایید در نخست چتر فراگیر را تعریف نمایم که منظور ما چیست و چه میخواهیم تا باشد در روشنایی آن سایر پرسش ها نیز جواب خویش را دریابند. ممنون تان خواهر خوبم.

### شیما غفوری

پرسشی را که خانم حمیرا جان حقل طرح نموده اند، یکی از پرسش های بنیادی است، که در این جا مختصراً به آن پرداخته میشود و امیدوارم این موضوع مورد بررسی سایر همسخنان نیز قرار گیرد.

طوری که میدانید در افغانستان چند صد نهاد زنان رسماً ثبت شده است. در خارج از افغانستان نیز نهادهای متعدد زنان وجود دارند. برخی از این نهادها در اشکال مختلف با هم تماس و همکاری نیز دارند. منظور از چتر رنگین، چتر فراگیر و یا هم شبکه فراگیر، سقف یا مرجعی است که امکان و فرصت حضور همه نهادهای فعال مدافع حقوق زنان (یا کم از کم نهادهایی علاقه مند و از جمله مجموعه های موجود) را از طریق یک میکانیزم باز و شفاف برای تماس، گفت و شنود و دستیابی به تفاهم به منظور همبسته گی و همکاری جهت تحقق اهداف مشترک، فراهم سازد.

واکنش ها در برابر فاجعه زجرکشی فرخنده نشان داد که میتوان برای ایفای وظایف مشترک و تحقق اهداف مشترک تفاهم، همبسته گی و همکاری گسترده را ایجاد کرد. به باور ما مهم است تا این ظرفیت

ها را تنها برای روز مبادا و واکنش در برابر فاجعه ها محدود نسازیم، بل از آن برای تفاهم و همکاری پایدار جهت تحقق اهداف مبرم و بنیادی زنان نیز استفاده کنیم. تجربه کانون هماهنگی زنان افغانستان نشان میدهد که دستیابی به این مأمول ممکن است. البته اگر در مورد اصل این پیشنهاد توافق به عمل آید در مورد تعریف مشخص تر و جزئیات آن بعداً میتوان تبادل نظر کرد.

### ماری اکرمی

سلام و احترامات خدمت همه عزیزان صاحب نظر. ممنون از طرح خوب تان به ارتباط ایجاد و یا منسجم ساختن یک چتر بزرگ تر، کاملاً با نظریات و پیشنهادات همه شما موافقم میخوام همه عزیزان را دعوت کنم که با شبکه زنان افغان بیبوندند. بخاطریکه فعلاً یکی از شبکه های بزرگ و قابل شناخت در سطح مملکت و هم چنان سطح جهان است.

### حمیرا حقمل

ما زمانی به ایجاد و تشکل چتر های بزرگتر و باز تر نایل خواهیم شد که طبیعتاً زیر ساختهای نهادینه و مستحکم تری بحیث زیرپایه ها داشته باشیم تا توانمندی و ظرفیت حفظ و برقرار ماندن چتر های بزرگ را داشته باشند. در غیر آن تجارب ناکام را تکرار خواهیم کرد. به امید روزی که برای تامین حق و عدالت یکدل و یک صدا شویم.

### حمید عبیدی

میخواهم روشن بسازم که طرح سووال در مورد چتر فراگیر و یا رنگین و یا هم شبکه فراگیر ، به هیچ وجه به معنای انکار و یا نفی نهادها و شبکه های موجود و یا تضعیف آنان نیست. شناخت و پذیرش تنوع موجود ، در واقع خود میتواند پیش زمینه همکاری باشد.

## زهرة سادات هاشمی

در ابتدا عید سعید فطر را به تمامی مسلمانان خصوصاً مردم افغانستان و دوستان میز مدور تبریک و تهنیت میگویم

امیدوارم طاعات و عبادات تان قبول درگاه ایزد تبارک و تعالی فرار گرفته باشد

ایجاد یک چتر واحد نظر نیکی است امیدوارم تحقق آن نیز زمان کمتری را در بر بگیرد اما در ذهن من یک سوال ایجاد شده و آن این است که کشور ما یک برد بسیار قوی دارد که در بسیاری از ممالک نیست و آن هم موجودیت وزارت زنان میباشد، پس رول و نقش این وزارتخانه در ایجاد چتر واحد چه خواهد بود و چرا نمیتوان به آن به عنوان یک نقطه عطف تمام سازمانها و نهادهایی دانست که در عرصه زنان مصروف فعالیت اند؟

## حمید عبیدی

با امتنان از خانم زهرا سادات هاشمی ، فکر میکنم چنان که ایشان تذکر داده اند ، مساله چه گونه گی رابطه با وزارت امور زنان میتواند یکی از نکات بحث باشد- البته در صورتی که همسخنان در مورد ضرورت ایجاد چتر فراگیر به موافقه برسند ، پس از آن میتوان روی این نکته بحث کرد . این روشن است که شهروندان در میدان بیرون از خانواده و دولت است که برای فعالیت های جمعی مستقل و داوطلبانه جهت طرح ، دستیابی و تحقق اهداف معین نهادهای مدنی را ایجاد میکنند. این که نهادهای جامعه مدنی در این راستا با حفظ استقلال چه گونه مناسبات کاری با نهادهای دولتی برقرار میکنند گپ دیگری است. کوتاه این که اگر درمورد گام اول هسخنان به توافق رسیدند ، آن گاه پرسش گام های بعدی مطرح خواهند شد. من به حیث گرداننده نکاتی را که همسخنان بیان میکنند، یادداشت مینمایم ، تا زمینه بحث و تبادل نظر همسخنان میز را روی آن ها گام به گام در یک روند منسجم فراهم بسازم .

با امتنان از اشتراک سازنده و فعال شما در دومین میز مدور کانون هماهنگی زنان افغانستان ، به اطلاع رسانیده می شود که از فردا کار سومین میز مدور آغاز میگردد. در این میز نیز شماری از مسوولان نهادها و فعالان حقوق زنان ، دعوت شده اند .

در نظر است تا به دنبال میز میز سوم ، اشتراک کننده گان هر سه میز ، در یک میز واحد در مورد طرح های پیشنهادی در هر سه میز روی تعریف اهداف مشترک و رسیدن به تفاهم برای کار دوامدار جهت توسعه و تعمیق تماس، گفت و شنود ، تفاهم و همکاری میان نهاد ها ، فعالان و مدافعان حقوق زنان افغانستان جهت تحقق این اهداف، با هم به مشاوری بپردازند.

با توجه به مراتب بالا خواهشمندیم تا با ما بمانید و جریان میز سوم را دنبال نموده و سپس در کار میز چهارم که میز واحد متشکل از اشتراک کننده گان هر سه میز قبلی خواهد بود ، فعالانه سهم گرفته و بر امتنان بیفزایید.

همچنان ما برای تکمیل فهرست نهادهایی که علاقه مند سهمگیری در این روند اند، به کمک شما نیاز داریم و از همکاری تان در این زمینه پیشاپیش ابراز سپاس مینماییم .

اگر پیرامون نکات بالا پرسشی موجود باشد ، گرداننده برای ارایه پاسخ در خدمت خواهد بود .

\*

## میز سوم

حمید عبیدی (گرداننده میز مدور)

پرسش دوم : آیا به نظر شما ایجاد یک چتر فراگیر، باز ، شفاف و دیموکراتیک که بتواند تماس ، تبادل نظر ، تفاهم، هماهنگی و تشریک مساعی طیف گسترده نهادها و فعالان دفاع از حقوق زنان را در راه رسیدن به اهداف مشترک ، تسهیل و تامین کند ضروری، مفید و ممکن است ؟

## حمیرا حقمل

سلام دوستان محترم

به آرزوی صحت و سلامتی تان استم .

ضرورت و امکان اتخاذ هر نوع تصمیم و تدبیر در صورت مفید و موثر خواهد بود که به اساس نیاز جامعه صورت گرفته باشد و مورد جلب اعتماد و باور مردم و شهروندان قرار بگیرد. بنظر من بهتر است ابتدا عوامل درد ورنج زنان افغان تشخیص شود تا بعد طبق علت مرض ادویه لازمه تجویز گردد. در غیر آن به ضیاع وقت و امکانات پرداخته ایم خصوصاً که ما چنین شبکه ها و چتر ها را در داخل و خارج کشور داریم بیایید با حضور فعال خود باعث تقویت آنان شویم.

...در رابطه به ایجاد شبکه یا نهاد و ساختار همچون آن پیشنهاد بنده این خواهد بود که بیایید چتر و شبکه های موجود را وسیعتر و گسترده تر و پاسخدهنده تر و دموکراتیک تر و باز تر بسازیم تا اینکه مثل آنها را سر از نو ایجاد نمائیم .

## شیما غفوری

همسخنان عزیز، سلام .

از حضور تان در این میز مدور خوشحالم .

با مطالعه نظر خانم حمیرا جان حقمل در ارتباط با ایجاد یک چتر فراگیر زنان می خواهم بدانم که علاوه بر تجمع بعضی از نهاد های مدنی در یک مجمع بزرگتر آیا چتر فراگیر و ساختار های پیوند دهنده بین نهاد های مدافع حقوق زنان در کشور وجود دارد؟ و این ارتباطات تا کدام اندازه کارا میباشد. میخواهم

از همسخنان داخل کشور در این رابطه طالب معلومات دقیقتر گردم. از لطف تان قبلاً اظهار امتنان مینمایم. البته در خارج از کشور نیز ایجاد چنین چتر فراگیر یک ضرورت شدید است.

## حمیرا حقل

پرسش های بجا را مطرح کردید اید خانم شیما جان غفوری پس بیایید در نخست چتر فراگیر را تعریف نماییم که منظور ما چیست و چه میخواهیم تا باشد در روشنایی آن سایر پرسش ها نیز جواب خویش را دریابند. ممنون تان خواهر خوبم.

## شیما غفوری

پرسشی را که خانم حمیرا جان حقل طرح نموده اند، یکی از پرسش های بنیادی است، که در این جا مختصراً به آن پرداخته میشود و امیدوارم این موضوع مورد بررسی سایر همسخنان نیز قرار گیرد .

طوری که میدانید در افغانستان چند صد نهاد زنان رسماً ثبت شده است. در خارج از افغانستان نیز نهادهای متعدد زنان وجود دارند. برخی از این نهادها در اشکال مختلف با هم تماس و همکاری نیز دارند. منظور از چتر رنگین ، چتر فراگیر و یا هم شبکه فراگیر، سقف یا مرجعی است که امکان و فرصت حضور همه نهادهای فعال مدافع حقوق زنان (یا کم از کم نهادهایی علاقه مند و از جمله مجموعه های موجود ) را از طریق یک میکانیزم باز و شفاف برای تماس ، گفت و شنود و دستیابی به تفاهم به منظور همبسته گی و همکاری جهت تحقق اهداف مشترک، فراهم سازد .

واکنش ها در برابر فاجعه زجرکشی فرخنده نشان داد که میتوان برای ایفای وظایف مشترک و تحقق اهداف مشترک تفاهم ، همبسته گی و همکاری گسترده را ایجاد کرد. به باور ما مهم است تا این ظرفیت ها را تنها برای روز مبادا و واکنش در برابر فاجعه ها محدود نسازیم، بل از آن برای تفاهم و همکاری پایدار جهت تحقق اهداف مبرم و بنیادی زنان نیز استفاده کنیم. تجربه کانون هماهنگی زنان افغانستان

نشان میدهد که دستیابی به این مأمول ممکن است. البته اگر در مورد اصل این پیشنهاد توافق به عمل آید در مورد تعریف مشخص تر و جزئیات آن بعداً میتوان تبادل نظر کرد.

## حمیرا حقل

خواهر عزیز شیما جان شما مطمئن باشید که شخص خودم ناخوانده ابراز نظر نمیکنم !!! ما زنان وطن هر چه بیشتر نگران وضعیت زنان افغان هستیم چون قربانیان مستقیم تمام نابسامانی ها مایم. قربان تان.

## شیما غفوری

حمیرا جان عزیز من یقین دارم طوریکه خودت گفته ای چنین است. من به نظریات همه شما ارج می گزارم و هدف این میز نیز تبادل نظر میباشد و بس. اگر بتوانیم کدام راه حل مشترک را در نتیجه پیدا نمائیم که باعث همسویی فعالیت های ما زنان گردد، هنوز بهتر. اگرچه ما از مصیبت های مستقیم حوادث دور هستیم ولی مصیبت های روحی ما هم زیاد است. ما زنان در خارج می خواهیم نظریات شما را که در داخل هستید، بدانیم و از آنها برای جهت گیری و سمت دهی فعالیت های خویش استفاده نمائیم. تا کار شما ها را پشتیبانی نموده باشیم و باعث تسریع پروسه های گردیم که شما ها به راه می اندازید.

## حمید عبیدی

این روشن است که نهادها و فعالان دفاع از حقوق زنان دارای اندیشه ها ، تجارب و دیدگاه های متنوع اند. هدف میز مدور آشنایی نزدیکتر با دیدگاه های اشتراک کننده گان است. هم شناخت تفاوت ها و هم تشخیص مشترکات تا با احترام به تنوع موجود و حفظ استقلال نهاد ها ، زمینه تفاهم برای همکاری در مورد اهداف مشترک فراهم شده بتواند. چشم به راه پاسخ اشتراک کننده گان میز مدور هستیم. پس از



دریافت این پاسخ ها ، وارد میز بزرگ خواهیم شد و آن جا روی نتایج مباحثات هر سه میز ، تبادل نظر به عمل خواهد آمد.

## عارفه عمرلور بشیر

سلامونه او درنښت.

اوس هم په افغانستان کې د ښځو د حقوقو فعالان او مبارزين تر يو ګډ ديموکراتيک او روڼ څېر لاندې کار کوي چې هغه د دوی ګډې موخې او اهداف دي، دا ځکه دوی يوې مشترکې او ګډې موخې (هدف) يانې دښځو دحقه انساني حقونو تر لاسه کول او دښځو دژوندانه بښايښ ته کار کوي او همدا هم يو ګډ څېر بللی شو، موخې يا اهداف په هره ټولنه کې د خلکو تر يو څېر لاندې د راټولولو سبب ګرځي، که ګډ اهداف وجود ونلري، دخلکو تر يوه څېر لاندې راټولونه ناشوني او ناممکنه ده.

اوکه دلته په پوښتنه کې له يو څېر نه موخه د ګډ مشرتابه او ګډو تگلارو درلودل وي، زما په اند دايو څه ناشوني ، غير عملي او لږ دبحث وړ خبره ده، که چيرې ګډ مشرتوب او ګډې تگلارې منځ ته راځي نو بيا هغه مهال زموږ ټولنيز او مدني حرکت په يوه سياسي حرکت بدلېدای يا توجيه کېدای شي چې ښايي زموږ خلکو ته د منلو وړ نه وي.

زما په اند دګډ مشرتابه تر يو څېر لاندې د کار پر ځای که چيرې د دغو ټولنو او موسساتو په تگلارو پوره غور وشي، د دوی تگلارې دټولو افغاني کلتوري حساسيتونو ، غوښتنو، اندېښنو، قوانينو او رواجونو په پام کې نيولو سره د متخصصو او د افغاني ټولنې دټولنپوهانو په مشوره او لارښوونه مطرح او عملي شي، د دغو ټولنو تر منځ يوه همغږي او يو بل ته لاسنيوی اصل منځ ته راشي، دوی منظمې مشورتي ګډې غونډې ولري، د سياسي کړيو له اغيز نه ځانونه وساتي او خپلو اهدافو ته ژمن پاتې شي هله کېدای شي خپل ګډ ، شريک او حياتي هدف ته په ګډه اوژر ورسېږي.

په يوه ټولنه د يوه هدف تر لاسه کولو لپاره د مختلفو تگلارو درلودونکو ټولنو شتون دخپلو وړو ستونزو په ځواکې ستري ستري ګټې او ښېګڼې هم لري.

## حمید عبیدی

ډیر قدرمن میرمن عارفه عمر لور بشیر ، زما د پوښتنی موخه دا نه وو او نه دی چی شته سازمانونو دی گواکی د گډ چیر تر نامه لاندی کوم نوی سازمان کی منحل شی او یا د دوی پر خای دی کوم نوی سازمان جوړ شی.

مساله دا دی چی څنگه گیدای شی چی د بنخو د شته سازمانونو او د بنخو د حقونو د فعالانو او پلویانو تر مینخ د یو بل سره د پیژندگلوی ، اړیکو ، خبرو اترو ، تفاهم او همکاری زمینه برابره شی .

شته تنوع یو واقعیت دی . په یوه آزاده ټولنه کی دا یو عادی حالت بلل کیږی. ضرورت دا دی چی دغه واقعیت ومنل شی . که څوک وغواړی او که و نه غاړی انحصار غوښتنی نه ممکن دی او نه هم گټور. خبره دی کی ده چه د دغه واقعیتونو او اصول په منلو سره څنگه کیدای شی چی په هغو برخو کی چی ضرور ، گټور او ممکن دی دوی یو بل سره تفاهم ، همغږی ، پیوستون او همکاری هم ولری.

## آزیتا نظمی

سلام خدمت تمام همسخنان محترم تقدم میکنم خوب . از نظر من بلي هرکاه نهاد هاي دفاع از حقوق زنان افغانستان و جامعه مدني افغانستان باديگر نهادها ي دفاع از حقوق زنان جهان تماس و گفت و شنود برقرارکنند بدزن شك بسيار مفيد واقع خواهد شد هرکاه از تجارب انها که با جغرافياي افغانستان هخواني داشته باشد استفاده گردد مو اثر خواهد بود . تشکر.

## عارفه عمر لور بشیر

بیا هم سلامونه، گډې مشورتې غونډې، د یو بل له کارونو او لاسته راوړنو څخه خبرتیا، همداشان له یو بل سره د تجربو شریکول او د یو بل په اندونو او انگیرنو پوهېدل او دهغو درکول دا خپله کولای شي چې د دغو ټولنو ترمنځ همغږي او یو بل ته نږدې کېدل رامنځ ته کړي، بې له شکه که چیرې دوی د شته ستونزو په وړاندې همغږي او یو موټی اوسي د ستونزو د هواري اوږدې لارې به ډیر ژر رالنډې شي.

## شیما غفوری

آزیتا جان، حمیرا جان، خانم عمر لور و سایر دوستان عزیز شامل بحث. سلام. من بیچاره در جواب پرسش اول چقدر زحمت کشیدم که نظریات انجمن ما را برای تان انتقال بدهم. شما خواهران عزیز از وطن هیچ کدام آنرا نخوانده اید. من با کمال میل می خواهم در مورد آن نظریه های شما را بدانم تا اگر اشتباه می کنم شما آنرا اصلاح نمائید. ممنون شما. این هم شما و این هم نظرها در مورد سوال اول که برای آسانی کار بار دیگر برای تان در اینجا تقدیم می نمایم.

در این میز مدور به حیث نماینده انجمن مدد رسانی افغانی که از 21 سال به این طرف در داخل و خارج از کشور برای آموزش و خودکفایی زنان و دختران افغانستان مصروف خدمت میباشد، دعوت گردیده ام. می خواهم نظریاتم را در پنج بخش خدمت شما عزیزان تقدیم نمایم، هر چند شاید بعضی نکات تکراری باشد، ولی تکراری بودن نظریات بین نهاد ها و افراد نوید بخش مشترکات بین آنها میباشد.

اول: محافظت از دست آورد های کنونی و مخالفت با معامله گری سیاسی به قیمت سرنوشت زنان کشور.

دوم: همبستگی بین مدافعان حقوق زن اعم از زنان و مردان از لایه های مختلف و در داخل و خارج از کشور.

بهترین مظهر این همبستگی تجلیل همه ساله از روز قتل فرخنده (19 مارچ) به حیث «روز همبستگی ملی زنان افغانستان» خواهد بود. که در این مورد نظر شما را خواستارم.

سوم: مهمترین سؤالی که ما زنان در مرحله کنونی با آن مواجه هستیم عبارت از تعیین اساس اندیشوی جنبش آینده زنان میباشد.

---

ناب - نیروگاه اندیشه یی برابری و مبارزه با تبعیض جنسیتی

<http://www.afghanasamai.com/NAB/index.htm>

در این مورد حداقل سه نظر مطرح می‌گردد:

- 1 - بر اساس ارشادات دین اسلام
- 2 - استوار بر اساسات غیر مذهبی
- 3 - تلفیق ارشادات دین اسلام، فرهنگ جامعه افغانی و قوانین مدنی بشری

انجمن مدد رسانی افغانی طرفدار روش سومی یعنی استفاده از قوانین اسلامی، فرهنگ مثبت جامعه افغانی و اعلامیه حقوق بشر در مسایل اجتماعی منجمله موضوع زنان میباشد.

۴- استقلالیت جنبش زنان: بدون شک جد و جهد به خاطر تحکیم عدالت اجتماعی و جنسیتی، تثبیت شخصیت زن به حیث یک انسان متساوی الحقوق و تلاش برای محو خشونت علیه زنان اشکال گوناگون را در جامعه دارد، از تلاش های ادارات و سازمانهای دولتی گرفته تا سازمان زنان در احزاب سیاسی و سازمانها و نهاد های مستقل زنان.

انجمن مدد رسانی افغانی طرفدار جنبش مستقل زنان بدون وابستگی آن به دستگاه دولتی و ایدلوژی حزبی میباشد. البته این استقلالیت نباید مانع همکاری مشترک جنبش مستقل زنان با ادارات دولتی و سازمانهای حزبی در زمینه مبارزه به خاطر احقاق حقوق زنان گردد.

پنجم: هماهنگ سازی و آشتی دادن دو فرهنگ تقریباً متضاد در جامعه یعنی زندگی سنتی و آشفته از جنگ های دوامدار از یک طرف و زندگی شهری که در اثر فرآورده های مدرن مثل معارف، رسانه ها و تکنالوژی اطلاعاتی و غیره پیشرفت نموده است.

در این راستا انجمن به این نظر است که:

۱. داخل کردن مضمونی در نصاب تعلیمی مکاتب بنام «مقام و نقش زن در حیات خانواده و جامعه». تا شاگردان مکاتب از همان دوره ابتدائی همزمان در شهر ها و دهات افغانستان آداب حرمت گزاری به زن را بیاموزند.

۲. لازم است تا زنان را در محل های زیست شان جستجو نموده و ظرفیت های شانرا در همانجا انکشاف داد. زنان شهری، دهاتی با سواد و بیسواد همه قابلیت های را دارا می باشند که هر یک قابل احترام بوده و ضرورت به تقویه و توسعه دارد.

با این مختصر خواستم تا نظریات انجمن مدد رسانی افغانی را به شما انتقال داده و منتظر نظرات انتقادی و یا تأییدی شما میباشم.

با حرمت و ارادت

هاجره حرکت

زما په اند له هر وخت څخه زیات اوس داسی یوی شبکی ته ضرورت دی، چې په پراخه کچه په هېواد کی دننه او په ټوله نړۍ کی د افغانو بڼځو د ژوند زوریدلي حالت ته په پام سره خپل نظریات سره شریک کړی او په دی لار کی د اغیزمنو گامونو پورته کولو ته متی را ونغړی. زه فکر کوم له هر وخت څخه زیات اوس افغانان چی هم د پوهی په جامه سمبال دي او هم دومره مالی امکانات لری چې د یوی شبکي د جوړیدلو له پاره د میاشتني حق العضویت ورکولو سره یو پراخ بنسټه ټولنه په پښو ودری. زه یقین لرم چی دا به داسی یوه شبکه وی چې په افغانستان کی دننه او بهر دیموکرات قوتونه په کی برخه اخلی او ډیر ژر به یوه نړیواله بڼه خپله کړي او ستر خدمتونه به هغه افغانو مظلومو بڼځو ته وکړي چې په اوسنیو شرایطو کی چې لوړ شمیر افغاني بڼځي په پوهنتونونو کی په تحصیلونو بوختی دي خو لا ډیر شمیر بڼځي په کلیو او بانډو کی د ډول ډول ناخوالو سره لاس او گریوان دی مرسته ورسوی. ځکه تر پخوا څخه اوس به افغانستان کی له بڼځو سره ناروا ظلمونه کیږی او هغه زورواکی چی د بوهی له رڼا څخه یې زړونه خالی دی د بیسو او زور په نشه کی دری او څلور ودونه کوی. په اسلام خبر نه دی خو د خپلو شهوانی اعمالو له پاره د اسلام نوم ورکوي.

زرغونه عبیدی

تماس تبادل نظر، تفاهم و همکاری میان طیف وسیع نهادهای مدافع حقوق زن برای تحقق اهداف مشترک، یک ضرورت مبرم است؛ زیرا از این طریق است که یک جنبش گسترده برای تامین حقوق زنان شکل گرفته میتواند.

تا جایی که من دیده میتوانم، حالت نهادهای فعالان و مدافعان حقوق زنان شبیه به حالت «جزایر پراکنده در چند اوقیانوس» است - خوب با یک دید مثبت تر شاید بتواند گفت که حالت «جزایر و مجمع الجزایر پراکنده در چند اوقیانوس.»

منظورم این است که شمار بزرگی از نهادهای فعالان و مدافعان حقوق زن همدیگر را نمی شناسند، با هم در تماس نیستند و یا هم در اثر پیشدواری ها در تماس میان آن ها دشواری هایی وجود دارند .

من بر این باورم که مهم است تا در گام نخست میان این «مجمع الجزایر»، زمینه تماس و گفت و شنود برای شناخت و تفاهم ایجاد کرد. برای این کار ما میتوانیم امکانات جهان دیجیتال را مورد استفاده قرار دهیم.

از دیدگاه من، ما با تداوم و توسعه همین میز مدور نیز میتوانیم به ساده گی و به طور شفاف ، موثر و همخوان با اصول و موازین دیموکراسی این امر را تحقق ببخشیم.

اگر ورود به این میز مدور و سهمگیری برابر و فعال در کار آن برای نماینده گان همه نهادهای علاقه مند میسر گردد، مشترکاً خواهیم توانست این طرح را تحقق ببخشیم

همچنان پیشنهاد مینمایم تا ما آن عده از فعالان برجسته جامعه مدنی از میان مردان را که به اندیشه تساوی حقوق زن و مرد اعتقاد دارند نیز در این میز مدور دعوت نماییم.

\*

گسترش میز مدور ،ایجاد چتر فراگیر و یا رنگین و یا سقف مشترک از لحاظ نظری کاملاً ممکن است و اما مشروط به این که ما برخی اصول و موازین بنیادی کار را متناسب با ایجابات چنین هدفی پیریزی و رعایت کنیم؛ از جمله:

-به رسمیت شناختن تنوع موجود و استقلال نهادها و امتناع از انحصارطلبی

-دادن فرصت برابر به دارنده گان اندیشه ها ، گرایش ها و دیدگاه های گوناگون

-رعایت احترام و بردباری متقابل

-گفت و شنود به بنیاد رعایت موازین و فرهنگ دیموکراسی

-گسترش فضای تفاهم و اعتماد متقابل

-جستجوی مشترکات و اتکا بر همین مشترکات

به رسمیت شناختن تنوع و استقلال نهادها و امتناع از انحصارطلبی به این معنا نیز است که این ابتکار باید مستقل از احزاب و گروه های سیاسی و گرایش های ایدیولوژیک و نیز حکومت باشد و نه باید اجازه بدهد به میدان کشمکش میان آن ها مبدل شود. این زمانی ممکن است که یک نوع رابطه و فاصله معقول و برابر نسبت به همه رعایت شود. با چنین استقلال، فاصله و رابطه است که میتوان از یک سو بر احزاب و نیز نهادهای دولتی برای مورد توجه قرار دادن مسایل زنان فشار وارد کرد و از سوی دیگر در حل مسایل با آنان متناسب با چگونگی نظر و موقف شان در قبال مسایل زنان تشریک مساعی نمود.

## فوزیه نوابی

با درود و سپاس

در رابطه به پرسش مطروحه شما!

دیدگاه من این است: من که 13 سال تمام در راستای دفاع و حمایت از حقوق زنان تلاش و زحمت کشیده ام تا حال متأسفانه يك میکانیزم دقیق و هماهنگی میان زنان و فعالین حقوق زن وجود نداشته است .

در افغانستان فعالین حقوق زن و سایرین تلاش دقیق بخرچ ندادند که با هماهنگی تام فعالیت نمایند.

---

ناب - نیروگاه اندیشه یی برابری و مبارزه با تبعیض جنسیتی

<http://www.afghanasamai.com/NAB/index.htm>

متأسفانه تلاش کرده اند که چگونه بتوانند به نام حق زن افغان پروژه بگیرند و از آن پول ها برای خود ساختمان اعمار نمایند و دختران و پسران خود را به خارج از کشور روانه کنند و همچنین همین فعالین تلاش کرده اند که چگونه زنان ي که فعال و زحمت کش هستند تخریب نمایند.

( به نظر من در صورتیکه واقعا فعالین حقوق زن به زیر يك چتر گسترده، شفاف، دموکراتیک، دور از فساد و تقلب باشد این هماهنگي يك نتیجه ي بهتر و مفید میباشد).

### شیما غفوری

فوزیه جان نوابی از پاسخ شما منحيث یکی از مهمانهای این جمع سپاسگزارم. آنچه را شما مطرح نموده اید، تعداد زیادی از خواهران ما از داخل کشور نوشته اند. به عقیده من یکی از این دلایل نبود همبستگی زنان میباشد. هرگاه زنان و سازمان های شان با هم مدست باشند، میتوانند به حیث یک عامل کنترل کننده فعالیت های اجتماعی رول مثبت را بازی نمایند. در حالیکه حالا صدای هر یک به تنهایی جای را نمی گیرد. و کسی که با نام زن تجارت مینماید، ترسی هم از دیگران ندارد. من نظر شما را مبنی بر ایجاد یک چتر بزرگ، غیر سیاسی که در آن هر سازمان استقلال خویش را حفظ نماید، فقط به خاطر کوردینه کار و همکاری مشترک، تأیید می نمایم.

### فوزیه نوابی

شیما جان غفوري سلام مجدد خدمت شما!

با وجودیکه من تازه وارد این گروپ شدم نمی دانستم که دیگران این نظریه را داده اند، اما این چالش بزرگ فراه زنان افغان در کشور میباشد به هر صورت به امید روزیکه واقعا احترام متقابل میان فعالین حقوق زن بوجود آید چون همه هدف مشترك و یکسان دارند و باید جهت بهبودي وضعیت سیاسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي مشترکا زیر. يك چتر هماهنگي فعالیت نمود.



چرا که شبکه های دادخواهی و حمایتی در افغانستان ایجاد شده اما نتیجه نداشته است چون همه ی موارد در روی کاغذ نوشته شده یعنی پروژه تطبیق شده و مشکل حل نمیگردد .

## زرغونه عبیدی

با سلام های قلبی حضور همسخنان عزیز! خواهشمندم لطف فرموده و پاسخ مرا در ارتباط به سوال اول و سوال دوم میز مدور سوم ، که به نمایندگی از هیئت مدیره این کانون ارایه گردیده است، مورد توجه قرار داده و ما را بدین ارتباط با نظریات انتقادی و پیشنهادی تان مستفید بسازید.

## دکتور عالمه

دوستان عزیز، با تایید گفته های داکتر زرغونه جان باور من این است که نهاد های مدافع حقوق زن باید در زیر یک چتر رنگین کمان جمع شوند، از خواست های برحق زنان کشور دفاع نمایند. به شکل پراکنده دادخواهی برای خواست های حقوق بشری زنان صدای آنان قوت نداشته و گاهی نهاد های مدافع حقوق زن در رقابت های ناسالم با یکدیگر قرار می گیرند. برای همصدا شدن، نیروی اثر گزار شدن و ایجاد اعتماد بین نهاد ها زیر یک چترمشترک جمع شدن ضرورت زمان ماست.

## زرغونه عطا

دوستان و فعالین گرامی جنبش زن سلامها و درود ها به هریک تان ، از آنجاییکه شرایط در وطن و جهان هر روز با تغییراتی نهایت بغرنج روبروست و جهان دارد در آتش این همه ناملازمات میسوزد و گشور ما که زیاده از چهار دهه قربانی این اوضاع تحمل شده بوده و است که درنتجه تیغه بران این جنگ هایی فرسایشی و نابرابر متوجه زنان و اطفال بوده در چنین حال و احوال وظیفه ما انسجام و هم دست شدن در برابر این همه نابرابری ، بدبختی و جنایات بوده.

گرچند مبارزه زنان افغان در تاریخ بانوساناتی مواجهه بوده ولی هرگاه که این مبارزه بصورت جمعی و سازمان یافته عمل نموده نتیجه آن هم موثر تر بوده.

سر انجام به تایید نظر دوستان و داکتر زرغونه جان اگر فعالیت ها از شکل منفرد و پارچه پارچه در زیر یک چتر هم صدا و هم گام گردد ، موثریت آن به مراتب اثر گذار خواهد شد .

و از جانبی بیایید این بار زنان افغان در عمل نشان دهند که ما زمان دور از همه موانع و مشکلات میتوانیم در برابر هم برای یک حرکت جمعی در زیر یک سقف برای هدف مشترک یکجا گردیم.

خوب گفته اند:

یابه یو کیژو او یا به ورکیژو

### فوزیه نوابی

با عرض سلام و ادب خدمت همه دوستان و خواهرم زرغونه جان عیدید.

من نظریات شما را مطالعه کردم . بسیار عالی همه موارد را در نظر گرفته اید . من باشما کاملاً هم نظرام و همچنان یادآور میشوم که زمانی موفق هستیم که بتوانیم تمام مدافعین حقوق زنان را زیر یک چتر هماهنگ سازیم. باید از طریق تماس تبادل نظر تفاهم و همکاری وسیع نهاد های مدافع حقوق زنان را و احترام به شخصیت و مقام زن و احترام متقابل را در نظر داشته باشیم.

و رسیدن به اهداف مشترک جهت پیشبرد فعالیت های زنان در شرایط فعلی کشور ما یک امر ضروری است و باید مورد حمایت ما زنان قرار گیرد.

\*

میز مدور کانون هماهنگی زنان به روی ورود نماینده گان نهادهای زنان و مدافع حقوق زنان باز است. مسوولان نهادهای مذکور میتوانند از طریق ارسال ایمیل و یا پیام تقاضای خود را برای اشتراک در میز مدور ارایه نمایند.

«ناب» چشم به راه دیدگاه های شما در مورد مسائل مطروحه در میز مدور است .

\*

## سند معرفی میز

### جریان بحث روی پرسش نخست

ورود به صفحه «ناب» - نیروگاه اندیشه یی برابری و مبارزه با تبعیض جنسیتی

ورود به صفحه کانون هماهنگی زنان افغانستان در فیسبوک